



بررسی جرم شناختی بازداشت موقت در حقوق کیفری ایران

دکتر سید علی میر ابراهیمی، حمید پورعیسی چافجیری، ستایش اسماعیلی

استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، دانشجوی دکتری علوم اجتماعی " دانش اجتماعی مسلمین "

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) قم

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

چکیده: بازداشت موقت به عنوان یک اقدام محدود کننده علیه آزادی افراد، از دیرباز مورد توجه دست اندرکاران حقوق کیفری قرار گرفته است و از بین تمامی قرارهای تأمین، بازداشت موقت مهمترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است که به موجب آن به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم، آزادی او به طور موقت سلب می شود و به حقوق دفاعی او لطمه وارد می آورد پیچیدگی و حساس بودن این قرار، توجه حقوقدانان و جرم شناسان را به آن جلب کرده و در رابطه با به کارگیری هرچه بهتر این قاعده، آراء و نظراتی را ارایه دادند که می بایست بین آنها قائل به تفکیک شد. این قرار، موافقان و مخالفانی دارد که مخالفان قرار بازداشت موقت معتقد به مغایر بودن این قرار با اصالت برائت، اصالت تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر قانون نفع متهم و آشنا شدن متهم با مجرمان در محیط زندان را به عنوان رد این قرار ذکر کرده اند. موافقان این قرار به جلوگیری از فرار متهم، پیشگیری از تبانی متهم با شهود قضیه، مطلعین و شرکای احتمالی جرم و رفع تشویش اذهان عمومی استناد نموده اند. برخی بر این اعتقادند که قرار بازداشت موقت، مقایریا اصالت برائت بوده و صدور آن باید با رعایت احتیاط و تحت شرایط و محدودیت هایی باشد. مواد 32 الی 37 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی وآنقدر در امور کیفری مصوب 1378، در خصوص قرار بازداشت متهم، می توانست حقوق و آزادی های متهم و نیز مصالح جامعه را مورد تهدید قرار دهد. افزایش موارد بازداشت موقت، مدت بازداشت موقت و عدم پیش بینی حق حیران خسارت متهمان بی گناه از این تهدیدهاست.

واژگان کلیدی: بازداشت موقت، سلب آزادی، آیین دادرسی کیفری، حقوق متهم، جرم شناختی.



مقدمه:

انسان ذاتاً و فطرتاً موجودی اجتماعی است برای این ه بتواند در این اجتماع دوام و قوام بیاورد باید از بعضی از آزادی های خودچشم پوشی کند در عوض جامعه باید به آزادی های فرد احترام بگذارد و از آن دفاع و حمایت کند. یکی از این آزادی های مشروع فرد در جامعه آزادی تن می باشد. بازداشت موقت اقدامی است تأمینی که در راستای سلب آزادی از متهم و زندانی کردن وی در طول تمام یا قسمتی از مراحل دادرسی صورت می پذیرد. تعارض بازداشت موقت با اصالت برائت و فرض بی گناهی متهم قبل از صدور حکم قطعی و همچنین تضاد آن با برخی از سیاست های جنایی و تقنینی، باعث شده است مورد توجه برخی از حقوقدانان و جرم شناسان قرار بگیرد.

بازداشت موقت:

یکی از قرارهای تأمین کیفری قرار بازداشت موقت متهمان است.

بازداشت در لغت به معنای منع، جلوگیری، توقیف و حبس است. بازداشت موقت مهم ترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است که به موجب آن به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم، آزادی او به طور موقت سلب می شود. بازداشت موقت در اصطلاح حقوق کیفری به معنای زندانی کردن متهم در جریان تحقیقات مقدماتی است که گاهی تا پایان رسیدگی ماهوی و صدور حکم و شروع به اجرای آن ادامه می یابد. بازداشت موقت، عنوان مجازات ندارد و یکی از اقسام قرارهای تأمین کیفری است که قاضی به منظور امکان دسترسی به متهم برای جلوگیری از فرار و اختفا و تبانی او و دیگر مصالح در شرایط خاصی صادر می کند

<http://www.yjc.ir>

به عبارت دیگر: بازداشت (بازداشت موقت) یکی از شدیدترین تصمیم های مراجع کیفری برای متهم است. این تصمیم قبل از قضاوت دادگاه، و بدون اثبات جرم متهم صورت می گیرد. در واقع بازداشت بر اساس ادعای ثابت نشده صورت می گیرد. در بازداشت موقت آزادی متهم گرفته می شود و او را در مکانی که از حقوق و آزادی های متعارف برخوردار نباشد حبس می کنند.

<http://kianlaw.com>

«کارکرد اصلی آن جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از آزادی متهم و فرار او است و از این نظر کارکردی مشابه صدور قرار وثیقه، کفالت یا ممنوعیت خروج متهم از حوزه قضایی یا خروج از کشور دارد.» (دادخواه، ۱۳۸۷).

دکتر آخوندی در تعریف بازداشت موقت می گوید: «منظور از بازداشت موقت در توقیف نگاه داشتن متهم در تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد»

پروفسور گارو معتقد است: «بازداشت احتیاطی عبارت است از این که مقصر را در تمام مدت استنطاق مقدماتی و یا یک قسمت از آن در زندان حبس نماید. همچنین ممکن است این بازداشت تا زمان تصمیم نهایی ادامه یابد» مسعود لعلی سراب، دادیار

<http://wiki.ahlolbait.com> آباد و انقلاب بستان



سلب آزادی:

حبس یکی از انواع مجازات است که به موجب حکم قطعی و لازم‌الاجرا آزادی شخص سلب می‌شود و یکی از رایج‌ترین مجازات در دوران معاصر است سلب آزادی ممکن است لطمات زیادی به شغل، خانواده و وجهه اجتماعی شخص بزند و هزینه به دولت و جامعه بزند.

<http://kianlaw.com>

از انواع سلب آزادی، سلب آزادی پیشگیری محور است. سلب آزادی پیشگیری محور افراد دارای اختلال روانی، برای تامین امنیت عموم و پیشگیری از تکرار جرم احتمالی مجرمان خطرناک اعمال می‌شود (نجفی، رضوانی، ۱۳۹۴، ۹). سلب آزادی سلب هائی هستند که با تجویز قانون صورت می‌گیرد چون جرم عملی غیر قانونی است و در ماده ۵۷۰ به آن تصریح شده است

آئین دادرسی کیفری:

آئین دادرسی کیفری در دو مفهوم بکار برده می‌شود: مفهوم عام و مفهوم خاص. در مفهوم عام کلمه آئین دادرسی کیفری شامل کلیه ترتیبات و قواعدی است که در زمینه کشف جرم، تحقیق و تعقیب آن و دادرسی و اجرای حکم کیفری وضع و مقرر شده است.

در مفهوم خاص کلمه آئین دادرسی کیفری فقط شامل قواعد و تشریفات می‌شود که در دادرسیهای جزائی از زمان صدور کیفر خواست تا تاریخ صدور حکم قطعی در دادگاهها باید رعایت شود. (آخوندی، ۱۳۷۶، ۴۱۹)

بطور کلی آیین دادرسی شامل مراحل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، رسیدگی در دادگاهها، اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمین و تربیتی است.

حقوق متهم:

حقوق متهم عبارت است از مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بدو اتهام تا صدور حکم لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض براءت، علیه او مطرح شده است از خود دفاع کند به طوریکه «دفاع از منافع جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد و به این سبب مقررات آئین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، بی‌گناه را نیز در اثبات بی‌گناهی خود یاری کند

<http://www.parsine.com>

به عبارت دیگر: حق دفاع، حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعاهای حقوقی علیه خود را که بر اساس شکایت اشخاص یا از سوی مقامات ذیصلاح به وی منتسب شده است، با همه امکانات و طرق قانونی رد و انکار کند.



حقوق متهم جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولتمردان به مردم واگذار کرده باشند و بتوانند از آنان سلب نمایند. لذا بر حاکمان است که تدابیر لازم جهت رعایت و حمایت آن فراهم نمایند و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارند، تا بتوانند در صورت بی گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شود. حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه بشری در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می شود.

جرم شناختی:

جرم‌شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که در آن، طبیعت، وسعت، علت و کنترل رفتار مجرمانه در فرد و جامعه، نهادهای کنترل‌کننده و سازمان‌های اصلاح‌کننده مورد بحث قرار می‌گیرند ستوده، میرزایی و پازند (۱۳۷۶). جرم‌شناسی به دنبال علل پیدایش و شیوع جرم در جامعه است

بیان مسأله:

کی از موضوعات بسیار مهم در بحث آیین دادرسی کیفری اخذ تأمین است. قرار بازداشت موقت شدیدترین نوع قرارهای تأمین کیفری است. از آنجا که این قرار با اصالت برائت و آزادی رفت و آمد افراد مغایر است و نتایج زیان بار آن غیر قابل جبران می باشد، قانونگذاران درباره مشروعیت به کارگیری آن تردید داشته و سعی کرده‌اند آن را از اختیار قاضی خارج کنند و تحت قاعده و قانون درآوردند تا دادستان نتوانند به اراده و دلخواه خود افراد را بازداشت کنند. برخلاف سایر تأمین‌های کیفری که در اختیار قاضی است تا با احراز تناسب و بر اساس تشخیص خود قرار صادر کند، موارد قرار بازداشت موقت به طور دقیق و حصری از سوی قانونگذار مشخص می شود و دادرس مجاز نیست در غیر موارد احصاء شده در قانون قرار بازداشت موقت صادر کند. قابل اعتراض بودن و لزوم موافقت دو قاضی در صدور قرار از مزایای بحث بازداشت موقت در حقوق کیفری است. یکی از مهمترین معایب بازداشت موقت تأثیر روانی آن بر قاضی رسیدگی کننده به کیفرخواست است. اصل بر آزادی تن است و عدم صدور قرار بازداشت موقت.

سوال و فرضیه:

چه ارتباطی بین صدور قرار بازداشت موقت و حمایت از متهم و حفظ ارزشهای انسانی و روی رد قانونگذار در قانون جدید و فعلی وجود دارد؟



فرضیه و جواب:

قانونگذار با توجه به آموزه ای جرم شناختی در جهت ارتقاء کارایی عمل در نظام کیفری با گرایش به نظام عدالت ترمیمی با یک روی رد جامع در هر دو فرضیه هم در مجازات و سزادهی و هم در اصلاح و تربیت در قانون فعلی دامنه ی قرار بازداشت موقت را کاهش داده است.

هدف تحقیق:

تحقیق حاضر هدفی علمی دارد و در صورت اثبات، می تواند در مجامع حقوقی و محاکم قضایی هدف کاربردی داشته باشد.

سوابق و پیشینه تحقیق:

به طور کلی، درباره بازداشت موقت تحقیقات جسته و گریخته و مقالات معدودی انجام شده است ولی هیچ کدام به موضوع بررسی جرم شناختی بازداشت موقت که موضوع این تحقیق می باشد نپرداخته اند.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی می باشد. اطلاعات به روش کتابخانه ای (رجوع به کتاها و مقالات) گردآوری شده است

دیدگاههای نظری تحقیق

جرم شناسی دارای دیدگاههای مختلفی می باشد که مهمترین آن دیدگاه ها:

۱) مکتب عدالت مطلق: (Just Deserts School)

بنیان گذار این مکتب امانوئل کانت (Emanuel Kant 1724-1804) است. به اعتقاد او، حق هر جامعه در مجازات کردن مجرمان بر پایه «نفع اجتماعی» و یا «دفاع اجتماعی» نیست؛ بلکه امری است که از نظر عدالت و اخلاق ضرورت دارد و مجازات از نظر این مکتب رنج و تعبی است که مجرم به دلیل إخلالی که در نظم اخلاقی جامعه به وجود آورده است تحمل می کند (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۱). او در کتاب های خود «عقل نقاد، عقل مطلق» (۱۷۸۱) و «نقادی عقل عملی» (۱۷۸۸) بیان می کند که مجازات اگر نفعی هم نداشته باشد، باز هم باید اجرا شود. او چنان در این نظرش مصمم بود که نوشت: «هرگاه جزیره ای در شرف از بین رفتن باشد و ساکنان جزیره مجبور به ترک آن باشند و یک محکوم به مرگ در جزیره زندانی باشد، اهالی جزیره قبل از ترک جزیره باید مجازات اعدام را در مورد آن محکوم اجرا کنند؛ زیرا در اجتماع هر کس باید به پاداش عمل خود برسد، تا عدالت اجرا شده و نظم اجتماعی و اخلاقی برقرار بماند». به اعتقاد کانت، مجازات شکنجه ای است که به منظور اجرای عدالت و اعاده نظم



اخلاقی که بر اثر وقوع جرم مختل شده است بر مجرم تحمیل می شود و جامعه مأموریت دارد که نظم اخلاقی را در روی زمین منتشر کند (دانش، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۱۹).

۲) مکتب کلاسیک (Classic School):

در واقع، مکتب کلاسیک ترکیب و تلفیقی از نظریه «نفع اجتماعی» و نظریه «عدالت مطلق» است که هر دو در اوایل قرن نوزدهم مورد توجه واقع شدند (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۱). مهم ترین نظریه پرداز این مکتب سزار بکاریا-1738 (Cesare Beccaria) است. او معتقد بود که شدت کیفر در پیشگیری از جرائم مؤثر نیست؛ بلکه اصل، مجازات بزهکار است که از ارتکاب و وقوع جرم جلوگیری می کند. او چنین می پنداشت که هرگاه مردم بدانند در صورت ارتکاب جرم مجازات می شوند، از انجام آن خودداری می کنند. وی اعتقاد داشت در موقع تشدید مجازات، مجرمان سعی می کنند که قبل از دستگیری، جرائم بیشتری را مرتکب شوند. بنابراین مادامی که وسایل و امکانات دستگیری تمام بزهکاران فراهم نشود، تشدید مجازات بی فایده است. بکاریا برای رسیدن به این منظور، بیش از هر امری برای سازمان انتظامی مرتب و آزموده اهمیت خاصی قائل بود. او نوشت: «نوع مجازات باید متناسب با خطایی باشد که از جانب بزهکار متوجه جامعه شده است. تعیین میزان ضرر و زیان اجتماعی جرم و تعیین میزان خطر اجتماعی نیز حائز اهمیت است. ضمن آنکه محاکمات باید با سرعت انجام شود؛ رفتار با متهم باید انسانی باشد؛ متهم حق معرفی شهود و ارائه مدارک و دلائل را به نفع خود داشته باشد و بالاخره هدف نهایی از مجازات، پیشگیری از تکرار جرم باشد؛ نه انتقام جویی». بکاریا اصلاح وضع زندان ها، تفکیک و طبقه بندی زندانیان را برحسب سن، جنس و اوضاع جسمی و روانی برای تربیت زندانیان ضروری می دانست. عقاید او منشاء تحولات مهمی در تدوین قوانین کیفری شد (دانش، ۱۳۸۶: ۲۰ و 19).

۳) مکتب دفاع اجتماعی قدیم (Old Social Defense School):

اصطلاح دفاع اجتماعی یعنی: «حمایت از گروه بدون توجه به فردی که توازن و نظم آن گروه را مختل کرده است» (پرادل، ۱۳۸۱: ۱۰۷). نمایندگان اصلی این مکتب، آدولف پرنس (A. Prins 1845-1919)، ون هامل (Van Hamel) و فون لیست (Von Liszt) بودند که «اتحادیه بین المللی حقوق جزا» را به وجود آوردند. برنامه این اتحادیه و مکتب آن بود که مسئله وجود یا عدم آزادی اراده را کنار بگذارند و بکوشند تا با تدابیر مؤثری که با توجه به حالت خطرناک مجرمان انتخاب می شود، وسایل دفاع جامعه را فراهم کنند. آنها هم چنین معتقد بودند که از طریق آزمایش و استفاده از روش های علمی و هنری، سیاست جزایی را برای هر جامعه می توان پیدا کرد (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲). پرنس معتقد بود که باید افراد را به عنوان موجوداتی اجتماعی که تکالیفی نسبت به جامعه دارند مورد ملاحظه قرار داد و در مجرم فردی را دید که به نظم اجتماعی آسیب می رساند. او نسبت به مجرمان خطرناک اعمال یک اقدام تأمینی که قادر باشد به تنهایی حالت خطرناک فرد را از میان ببرد و حفظ نظم را که تنها هدف عدالت



است تأمین کند، پیشنهاد کرد. دل نگرانی پرینس در مورد حمایت از نظم اجتماعی آن چنان شدید بود که باعث شد او تدابیری برای مرحله پیش از ارتکاب جرم نیز در نظر بگیرد. او تصریح کرد: «همان طور که برای تأمین بهداشت جسم تشکیلاتی داریم، به یک سرویس بهداشت روانی و اخلاقی که معاجله بیماران روانی را به عهده گیرد نیز نیاز داریم». فون لیست نیز اعتقاد داشت که اگر عمل ناشی از تمایل به جرم باشد، باید سعی کرد که از طریق تحمیل یک مجازات طولانی و قوی اسباب نابودی استعداد مجرمانه را فراهم کرد (پرادل، ۱۳۸۱-۱۰۸-۱۱۰:). یکی دیگر از بنیان گذاران این مکتب، فیلیپ گراماتیکا (Filippo Gramatica-1947) بود. او و دیگر پیروان این مکتب هدف های سنتی حقوق جزا را در مورد حفظ نظم اجتماعی و اجرای عدالت مورد تردید قرار داده و معتقد بودند که به جای تهدید و ارباب بزهکاران و دیگران، جامعه می تواند با وضع قوانینی که در جهت بالا بردن سطح فرهنگ و زندگی مردم باشد موجب کاهش جرائم شود. از این منظر، یکی از راه های رسیدن به این اهداف، گسترش اقدامات پیشگیرانه است و مبارزه با عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و پزشکی ارتکاب جرایمی هم چون: فقر، بیکاری، نقص دستگاه آموزش و پرورش و رواج الکلیسم و اعتیاد، از طریق تنظیم قوانین مناسب در جلوگیری از جرائم نقش عمده ای دارد. کاوه، (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)

۴) مکتب دفاع اجتماعی جدید: (New Social Defense School)

این مکتب توسط مارک آنسل (Marc Ancel-1954) پایه گذاری شد. او معتقد بود که نباید در اعمال مجازات ها فقط به دفاع از جامعه پرداخت؛ بلکه باید هدف دیگری که شامل جلوگیری از سقوط بزهکار و آماده کردن او برای بازگشت به جامعه می باشد نیز مورد توجه قرار گیرد؛ بهترین راه دفاع جامعه هم این است که در مورد شخص بزهکار، ضمن احترام به حیثیت بشری او، باید وی را از طریق وسائل ممکن تحت تأثیر قرار داده و به مسئولیت اجتماعی خودش آگاه کرد و بزهکار را برای ورود به اجتماع آماده ساخت (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۵۸ و ۵۷). در واقع مکتب دفاع اجتماعی جدید در مقابل مکتب دفاع اجتماعی قدیم و مکتب تحقیقی ظهور کرد و برخلاف مکتب دفاع اجتماعی قدیم، پیروان این مکتب معتقد هستند که نمی توان مجازات را از حقوق جزا حذف کرد؛ بلکه باید مجازات را با شخصیت بزهکاران متناسب کرد. از طرف دیگر، برخلاف پیروان مکتب تحقیقی، طرفداران این مکتب معتقد به اصل آزادی اراده هستند (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲) (همان)

۵) مکتب منفعت گرا یا فایده اجتماعی

یکی دیگر از نظریه پردازان مکتب کلاسیک جرمی بنتام (Jermy Bentham 1748-1832) بود. وی قبول داشت که جامعه حق مجازات دارد؛ زیرا مجازات مفید و از نظر دفاع اجتماعی ضروری است. با این وجود، او معتقد بود که مجازات نباید از حدی که مفید و عادلانه است بیش تر باشد (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۱) بنتام (۱۸۱۸) کتابی تحت عنوان «تئوری مجازات ها و پاداش ها» منتشر کرد و در کتابش نوشت: «کیفر وقتی باید اجرا شود که نفعی در برداشته باشد و ضرورت آن محرز شده باشد. شدت کیفر



نیز باید به میزانی باشد که مجرم را از منافع حاصل از ارتکاب جرم منصرف کرده و موجب پیشگیری از وقوع و تکرار جرم شود؛ زیرا مجازات مجرمان برای تولید رعب و وحشت و درس عبرت به افراد عادی ضروری است. او برای کیفر حبس ابد اهمیت خاصی قائل بود و اعتقاد داشت که زندان ها را باید با حداقل نگهبان و حداکثر وسایل استحضافی اداره کرد. بنام حقوق بشر را مورد انتقاد قرار داد و به حقوق طبیعی افراد نیز اعتقاد نداشت «(دانش، ۱۳۸۶: ۲۱-۱۹). او مدعی بود: «طبیعت، انسان را تحت حاکمیت دو نیروی برتر لذت و آلم قرار داده است. فقط این دو نیرو است که بر تمامی اعمال و رفتار و گفتار ما حاکمیت دارند و برای ما آنچه را که باید انجام دهیم و آنچه را که انجام خواهیم داد تعیین می کنند. بنابراین اگر ارزش کل کیفر بیش تر از ارزش کل لذت باشد در آن صورت نیروی بازدارنده، نیروی حاکم خواهد بود و آن عمل ارتکاب نخواهد یافت» (رحیمی نژاد و حبیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۹). همچنین بنام معتقد بود که افراد مجرم آزادانه مرتکب جرم می شوند تا به اهداف خود دست پیدا کنند؛ در حالی که افرادی که از قانون اطاعت می کنند، وسایل دیگری را که مورد توافق جامعه است انتخاب می کنند. از نظر وی، برای اینکه مجرمان از قانون اطاعت کنند، تنها تنبیه سریع و شدید اعمال مجرمانه بسیار مؤثر است. او به «عقلانیت» و «بازدارندگی» توجه زیادی نشان داده و گفته است: «عقلانیت یعنی اینکه هر فرد باید قادر به سنجش میزان لذت ناشی از انجام یک رفتار غیر قانونی در مقایسه با مجازات ناشی از قانون باشد و در نتیجه نسبت به آن عمل تصمیم بگیرد. بازدارندگی نیز به این معناست که افراد با محاسبه و مشاهده ی مجازات و درد و رنجی که از آن بابت باید متحمل شوند از بزهکاری و جرم دوری می کنند» (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۴۰ و ۳۹). بنام در زمینه شروع به جرم می پنداشت که کیفر جرم فرعی باید سبک تر از کیفر جرم اصلی باشد؛ زیرا اگر هر دو مجازات یکسان باشد هیچ دلیلی وجود ندارد که بزهکار از ارتکاب جرم اصلی صرف نظر کند. او بر نقش آموزش و پرورش، مذهب و دولت در مراقبت از کودکانی که پدران و مادران آنها نالایق هستند و همچنین بر فعالیت های فرهنگی تأکید می کرد. وی بر سیستم پاداش که در نظام او قرینه مجازات ها را تشکیل می داد نیز اصرار داشت؛ اگرچه از نظر وی ضرورت پاداش ها کم تر از ضرورت مجازات ها بود (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۵). بنام معتقد بود که قانونگذار باید در تعیین مجازات ها افکار عمومی را نیز به حساب آورد؛ زیرا همکاری مردم جامعه در مبارزه با جرایم رابطه مستقیم و تنگاتنگی با دیدگاهشان نسبت به کیفیت و شدت مجازات ها دارد و لذا در صورتی که مردم مجازات ها را بیش از حد خشن و نامتناسب دریابند گرایش بیشتری پیدا می کنند به اینکه از همکاری در اجرای قانون امتناع ورزند و در این صورت اثر بازدارنده ای که از مجازات انتظار می رود کاهش می یابد (محمودی جانکی و آقای، ۱۳۸۷: ۳۵۰-۳۴۸). به طور کلی، بکار یا و بنام معتقد بودند که همه افراد جامعه حتی کودکان قادر هستند قبل از انجام کاری، هزینه و منفعت آن را محاسبه و ارزیابی کنند. آنها استدلال می کردند از آن جایی که جوانان و بزرگسالان آزادانه و عقلایی می اندیشند، بنابراین مسئول رفتار خود هستند و نباید هیچ تمایزی بین مجازات جوانان و بزرگسالان در شرایطی که نوع و شدت رفتار انحرافی آنها مشابه است، قائل شد. انتقادی که به این نوع بینش وارد شده این است که این تفکر که همه افراد توانایی یکسانی برای ارزیابی پی آمدهای رفتارهایشان دارند قابل قبول نیست؛ زیرا به طور مثال، بیماران روانی و کودکان مانند سایر افراد چنین توانایی را ندارند و در نتیجه در مقابل رفتار انحرافی خود کم تر مسئول می باشند (احمدی، ۱۳۸۴: ۹)(کاوه همان)



این واقعیت اساسی مجازات، به طور مشخص موجب نگرانی منفعت گرایان است. توضیح این که: چون مجازات ناخوشایند بوده و موجب سلب منفعتی از مجرم است، در نگاه اول امر نامطلوب است مگر این که نتایج به دست آمده از آن برای جامعه (مثل کاهش میزان جرم) به اندازه ای باشد که رنج حاصل از اعمال آن را توجیه کند. این نگرانی در بیان معروف بتنام آمده است که: «هر مجازاتی بد است و مجازات فی نفسه متضمن شر و بدی است». (فصلنامه فقه و حقوق، ۱۳۹۵، شماره ۴، جان کاتینگهام)

۶) مکتب تحقیقی یا اثباتی: (Positivism School)

با گذشت دوره کلاسیک و تولد «مکتب تحقیقی»، تغییر رویکردی در جرم شناسی پدید آمد؛ به گونه ای که از آن به بعد، جرم شناسی با رویکردی علمی و تمرکز بر «روش های مشاهده مدار» وارد گستره علوم جنایی شد (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۹). (یکی از ارکان این مکتب، اصل اولویت معلول بر علت است. در این مکتب برای پیشگیری از وقوع جرم، به مبارزه با علل و عوامل جرم تأکید می شود و برای جلوگیری از تکرار جرم و دفاع اجتماعی، به شناسایی حالت خطرناک و اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی متناسب تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمان خطرناک اتخاذ می کند) اهمیت داده می شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲ و ۳۱). به طور کلی، بنیان مکتب تحقیقی یا اثباتی، بزه را یک بیماری اجتماعی تلقی می کردند و معتقد بودند که مجازات، عکس العمل اجتماعی در برابر جرم است و باید وسیله دفاع جامعه علیه جرم باشد. (کاوه پیشین)

۷) نظریه مکافات

واژه «تلافی» از کلمه لاتین Retribuere به معنای بازگرداندن گرفته شده است. اساس نظریه مکافات این است که مجازات تاوان جرم است. بازگرداندن دارای مفهومی مشابه در سطح انتقام ابتدایی است؛ به این معنا که اگر کودکی به کودک دیگر ضربه ای وارد کند، دومی ممکن است به او بگوید «کاری می کنم که تاوان آن را بدهی»، و همین که به خاطر آن ضربه، متقابلاً ضربه ای به او بزند تاوان خود را پرداخته است. در مفهوم رسمی تئوری مجازات مجرمین نیز همین استعاره به کار می رود؛ چنان که اغلب گفته می شود مجرم به جامعه بدهکار است و همین که مجازات را تحمل می کند دین خود را ادا کرده است. (فصلنامه فقه - همان)

۸) مکافات گرایی سلبی

بر مبنای این دیدگاه هیچ کس نباید مجازات شود مگر این که به خاطر انجام جرمی مقصر باشد. به عبارت دیگر، «شرط (یا شرایط) کافی» برای توجیه مجازات مورد بحث نیست بلکه «شرط لازم» مطرح است؛ یعنی برای مجازات عادلانه کافی است فردی مرتکب جرم شود. (فصلنامه فقه - همان)



۹) نظریات کاهش جرم

کسانی که به دنبال توجیه مجازات بر حسب نتایج آن هستند، معمولاً به نتیجه ای بسیار ساده و صریح اشاره می کنند که مدعی اند نظام کیفری موجد آن است و این نتیجه، کاهش میزان جرم است. این خلاصه دیدگاه کاهش جرم در توجیه هدف مجازات است. دو راه عمده که معمولاً در کاهش میزان جرم قابل تصور است یکی بازدارندگی و دیگری ارعاب می باشد. (فصلنامه فقه - همان)

۱۰) نظریه مصلحت اندیشی

قاعده مصلحت به معنی اصل رعایت مصلحت عمومی در برابر مصالح بر مصالح فردی و گروهی که در واقع مبنای آن بر جمع گرایی و تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی و گروهی در اسلام است.

قاعده مصلحت به این معنی می تواند در عبور از تنگناها به هنگام دشوار بودن اجرای احکام اولیه به خاطر جنبه فردی یا گروهی پیدا کردن این احکام در شرایط خاص اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد به صورت احکام ثانویه و یا احکام حکومتی حکم ساز باشد. توجه به عنصر مصلحت به معنای توجه به روح قانون و مقاصد دین است ما مقاصد کلی دین را می شناسیم و اکنون می توانیم تمام فروع را با آنها بسنجیم بر این اساس است که نگرش فقیه به مسائلی چون زکات و موارد ان عقود و مشارکت ها روابط بین الملل و ارتباط با غیر مسلمان و دهها مساله دیگر مساوی نگرش فقیه سنتی نیست و مراد از فقیه سنتی میراث گراندقدر عالمان سلف نمی باشد بلکه بیشتر نگرش ناصواب و غیر واقعی به روایات و احادیث فقهی و آیات الاحکام و سایر ادله استنباط است.

بدون تردید قاعده مصلحت به این معنی، امری ضروری و مورد اتفاق همه فقهای شیعه می باشد و معمولاً از آن به عنوان یک اصل حاکم بر سایر ادله احکام استفاده می شود و هر حکم ثابت اسلامی که در تراحم با آن باشد به عنوان ثانوی ملغی و به حکم ثانوی متناسب با قاعده تبدیل می شود و نیز بنابر نظریه ولایت مطلقه فقیه از این قاعده برای حکم سازی در قالب احکام ولایی و حکومتی استفاده می شود.

نقد و بررسی دیدگاه ها

در این مکاتب افراط و تفریط بکار رفته و عواملی مثل ظلم و ضرر و زشتی و هر کار بد، را جرم می دانند و دامنه ی جرم انگاری را افزایش می دهند ولی دیدگاه مصلحت اندیشی در اصل تمام شبهات را پاسخ می دهد این نظریه با در نظر گرفتن مصلحت فرد و جامعه ، توانست بر قانون جرم تاثیر گذار باشد.

لذا تفاوت و اختلافات عظیمی در خصوص سن ، تربیت، وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سلامت جسمانی، روحی و روانی و میزان هوش و مذهب و ... هست که متهمان را از هم جدا می کند . عدالت و انصاف ایجاب می نماید که بین مجازات مجرمان تفاوت



هایی وجود داشته باشد و باید به قاضی اجازه داد همه ی این عوامل را در نظر بگیرد و با توجه به جمیع جهات، مجازات متناسب با شخصیت هر فرد تعیین نماید و با احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی افراد در همه مراجه دادرسی اعم از کشف و تعقیب و تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و اجرای آراء عدالت را برقرار کند.

در جرایم تعزیری و بازدارنده باید برای قاضی امکان استفاده از نهادهایی مانند تخفیف و تعلیق قرار و مجازات و آزادی مشروع و تعویق صدور کیفر را فراهم کرد و با جایگزین کردن سایر قرارهای تأمین مانند اخذ کفیل و وثیقه موجب کاهش بازداشت گردند و همچنین با استفاده از قرار نظارت قضایی مانند تبعید یا اقامت اجباری و التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شود و با ایجاد محدودیت دفعات تمدید تا حد اقله میزان مجازات باعث جلوگیری از اطاله ی دادرسی و سرعت در تعیین تکلیف متهم گردد. برای بعضی از مجازاتهایی که قابل تبدیل است قرار بازداشت صادر نکند مثل مجازات نقدی برای اینکه خسارت و آسیب جانی نبوده و مالی است و قابل جبران است.

قاضی در هنگام صدور قرار، توجه به اصات تفسیر به نفع متهم و مساعد به حال وی از موارد تخفیف یا تبدیل مجازات در خصوص متهمان استفاده کند. لذا نظام کیفری ما با سیستم کرامت مدار و با رعایت اصل برائت و احترام به کرامت و حیثیت متهمان با رویکرد جرم شناختی و عدالت محور و تخفیفی در جهت حمایت از جامعه و حقوق افراد اقدام کند.

در مجموع می توان گفت که: به دلیل حکومت اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها در حقوق کیفری تنها قانونگذار صلاحیت و حق تعیین نوع و میزان خاصی از کیفر را دارد. از آنجایی که مبنا و هدف حقوق عدالت می باشد مقنن در وضع قوانین و تعیین نوع و میزان مجازات از عدالت تبعیت می کند ولی گاهی در تعیین مجازات از مصلحت نیز بهره می برد به گونه ای که گاهی نوع و میزان کیفر با هیچ یک از معیارهای ارائه شده بر مبنای عدالت سازگاری ندارد

نتیجه گیری:

بررسی جرم شناسی قرار بازداشت موقت تأثیرات بسزایی که مباحث و آموزه های « در این تحقیق تحت عنوان جرم شناسی در حقوق کیفری ایران بوجود آورده است را مطرح نموده ام و تحولات و تغییرات عظیمی که علم جرم شناسی در عملکرد نظام عدالت کیفری داشته است و تجربیات و نظریه پردازی و مهمترین دستاوردهای جرم شناسانه که شامل تاکید در روش های غیر کیفری و جلوگیری از رواج مجازات های سالب آزادی و تحول نهاد کیفر و با تکیه به عدالت ترمیمی و توجه در هر دو زمینه "سزادهی و هم ا صلاح و تربیت" با یک رویکردی جامع نسبت به منافع بزه دیده و بزه کار و جامعه می باشد.

رویکرد جرم شناسانه حقوق کیفری در موضوع بازداشت موقت تحول عظیمی بوجود آورده است. با استفاده از مباحث و آموزه های جرم شناسی بسیار متحول گشته و با رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات و فردی کردن مجازات و توجه به شرایط خاص مرتکب همچون سن، جنسیت، موقعیت خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی، ویژگی های شخصیتی و ساختارهای وراثتی و سابقه



متهم و مزاج و وضعیت جسمی و روحی و حیثیت متهم و نیز بررسی تاثیر مجازات با توجه به پرونده شخصیتی و توصیف و شناخت مجرم مورد اهتمام قرار گرفته است.

منابع

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم ۱۳۷۶
۲. آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰
۳. پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۴، سال ۴ ش ۱۲، سلب آزادی پیشگیری محور با تاکید بر ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، علی حسین نجفی و سودابه یزدانی.
۴. پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی): پاییز ۱۳۸۷، دوره ۳، شماره ۳
۵. دادخواه، محمدعلی بازداشت موقت و عواقب آن. ۱۳۸۷.
۶. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جرم شناسی»، شماره ۶۳۴۳.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷
۸. جرم شناسی، تبریز، فروزش، ۱۳۸۸
۹. ستوده، هدایت‌الله، بهشته میرزایی و افسانه پازند، روانشناسی جنایی. موسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۶.
۱۰. فصلنامه حقوق خصوصی، رحیمی نژاد؛ اسماعیل حبیب زاده محمد جعفر، مجازات‌های نامتناسب: مجازات های مغایر با کرامت انسانی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷
۱۱. فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی: پاییز ۱۳۸۶، دوره ۳۷، شماره ۳
۱۲. فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴، جان کاتینگهام/ مترجمان: ابراهیم باطنی-محسن برهانی، ۱۳۹۵
۱۳. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، تهران ۱۳۸۲.
۱۴. کاوه، محمد، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ اول ۱۳۹۱.
۱۵. محمودی جانکی، فیروز و سارا آقایی " بررسی نظریه بازدارندگی مجازات." مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۳۸،
۱۶. محمودی جانکی. فیروز، محمد فرجیها و " رویکرد چند نهادی به پیشگیری از وقوع جرم " نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.

www.ISEAS.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

www.Listjournal.ir

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



<http://wiki.ahlolbait.com>

<http://kianlaw.com>

<http://www.parsine.com>